

## کیفر خواست کودکان پاکدشت



امیر توکلی

گزارشی تکان دهنده از سایت ایلنا: «در حال حاضر ۴۰۰ کوره پزخانه فعال در اطراف تهران وجود دارد که کارگران شاغل در بسیاری از این کارخانجات به دلیل نداشتن پول کافی برای اجاره حتی یک اتاق برای سکوت شبانه، شب را با خانواده خود در محل کارخانه های آجرسازی به صبح میرسانند. بیش از ۱۸ هزار کارگر در زاغه های کوره پزخانه ها همچون سربازان پادگانها شب را به صبح میرسانند. حتی کودکان کمتر از ۸ سال هم کار میکنند و بین نان آور و نان خور فرقی نیست. هر ۵ کارگر در یک اتاق ۱۲ متری که به دلیل غیرمسکونی بودن و عدم بهداشت محیط، بیشتر به زاغه شبیه است میباشد تن خسته شان را به خواب میسپارند. خانواده های این کارگران در همین فضای چند متری غیر مسکونی، کلیه امور خانه همچون، آشپزی و رختشویی را انجام داده و کودکان نیز از ترس موشهای بزرگ ساکن در کنار گوشه همین اتاقها آسایش ندارند. وضعیت معیشتی کارگران کوره پزخانه ها به دلیل کمی دستمزد و عدم اداره امور زندگی تاسف بار بوده و در سال گذشته انواع بیماریهای عفونی و مهلک نیز در بین کارگران کوره پزخانه ها شیوع پیدا کرده است.»

واقعا شرم آور است، زندگی برده وار هزاران خانواده کارگری در روزنامه های کثیرانتشار مملکت درج میگردد اما هیچ دادستانی، در این مورد دادخواهی را مطرح نمیکند، هیچ ماموری، به دلیل سلب امنیت و آسایش، استثمار وحشیانه و کودک آزاری شهروندان، کارفرمایی را بازداشت نمیکند.

صفحه ۳

## اوگاندا، جهنمی که جنگهای قومی - مذهبی برای کودکان آفریده است!



جلیل بهروزی

و سران رژیم اسلامی که میخواستند حکومت الله را در ایران مستقر سازند، جز وحشیگری قتل عام مردم و مخالفین هیچ ابزار دیگری را برای رضای خدا نمیشناسد. این ارتش با حمایت همجانبه رژیم سودان در تقاضای دولت حاکم بر اوگاندا بخاطر سرکوب وسیع مردم شمال بخصوص در دوره عیدی امین، از مردم عادی، روستائیان و همچنین کودکان قربانی میگردد و بر آنان تعدی و تجاوز روا میدارد. ارتشی که شبانگاهان به "روستاهای منکر خداوند" شبیخون میزند، همه چیز از جمله کودکان هفت و هشت ساله را به "تاراج" میبرد و آنان که از حمایت کردن دریغ میکنند را به قتل میرساند. ۱۹ سال جنگ داخلی، یک جنگ تمام عیار قومی و مذهبی در این منطقه، جهنمی را برای همه و بخصوص کودکان آفریده است که در وصف آن زبان قاصر است. بیش از یک و نیم میلیون نفر از خانه و کاشانه شان گریختند و در مدت سه سال بیش از ۱۲۰۰۰ کودک به سرقت رفته است. هزاران کودک را به قتل رساندند و یا مورد تجاوز قرار دادند.

بیش از ۴۰ هزار نفر بنا به آمار یونیسف بعنوان "مسافران شب" night commuters در شمال اوگاندا غروب هر روز جابجا میشوند تا شاید زنده بمانند، به سرقت نروند و یا مورد تجاوز و خشم شورشیان و دسته های نظامی قرا نگیرند. بخش اعظم این مسافران شب را کودکان تشکیل میدهند. کودکانی که بعضا با هدایت و راهنمایی پدران و مادران شان از روستاها به شهرهای نزدیک فرار میکنند تا توسط نظامیان دزدیده نشوند. این کودکان بدون هیچ گونه حمایتی شبها را سرگردان و بی سرینا در خیابانها و بیغوله ها سر میکنند و دوباره بامدادن به روستای خود باز میگردند. و اینها تازه کودکان خوش شناس!! هستند.

"ارتش مقاومت پروردگار" به سرکردگی جوزف کانی جنایتکاری که میخواهد حکومت هزاره مسیح را در اوگاندا، برپا کند، سازماندهی اصلی چنین اعمال ضد بشری است. او همچون همتای خود یعنی خمینی

کودکان سرقت رفته از روستاها که در کمپهای شورشیان مستقر شده اند را مجبور میکنند تا حرف نشنوها و سرپیچی کنندگان را با چماق و داس به قتل برسانند و یا کودکان فراری را با به قتل رساندن تمام اعضای خانواده او مجازات میکنند. ابعاد بربریت و وحشیگری چنان است که کودکانی که بعنوان بردگان جنسی و یا سربازان جنگی توسط "ارتش مقاومت پروردگار" مورد استفاده قرار گرفتند حتی پس از سالها فرار و نجات، از خوف این تجربه دردآور خوابشان جز کابوس نیست. مذهب و جنگهایی قومی بلیه ای است که بیش از همه بر کودکان آسیب میرساند و زخمی عمیق بر جان و روحشان بجای میگذارد. این بختک سیاه را باید از زندگی بشریت زدود تا آسایش و امنیت را به جامعه بازگرداند. آنچه که در اوگاندا، عراق، افغانستان، ایران و یوگسلاوی سابق بر انسان و کودکان بطور مشخص گذشت تجربه خونبار و غم انگیزی

صفحه ۲

### زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

## پسر تنها

مهرنوش  
معظمی



قسمت ششم

در خود نمی یافت و قادر نبود که خود را با مقررات معلم تطبیق بدهد. در اینجا با هم نگاهی به شرایط وضعیت این حادثه می اندازیم. معلم ورزش، ناراضی از سهل انگارهای پسر! و پسر پس از گذراندن یک تعطیلی نکبتبار در کنار پدر الکلی خود خسته و نگران! همکلاسیها به آندو چشم دوخته اند! پسران گروه شلوغ و شرور محله به پسر خیره شده اند. معلم بهانه بیماری ساختگی پسر را نمیپذیرد. پسر زیر فشار نابسامانی های خانه دوباره دچار اضطراب میشود. ترس و وحشت از برخورد معلم در حضور آن گروه بر او غلبه میکند. همه شاگردان مدرسه پدرش را مست با شیشه عرق در دست در کوچه و بازار شهر دیده اند.

گروه شرور منتظر هستند که عاقبت پسر با این معلم زبان نفهم باز خود راضی با چه سرنوشتی مواجه خواهد شد! معلم که بارها مورد توهین و آزار از گروه ناآرام پسرها قرار گرفته بود، تصمیم میگیرد که به آنها درسی بدهد. پسر با خود زمزمه میکند(اگر بقیه بفهمند که من از یک معلم، آنهم یک زن میترسم، مرا بیشتر مسخره خواهند کرد. من باید به آنها

نشان بدهم که یکی از آنها هستم.)

معلم با خود فکر میکند (به این بچه تنبل، شلخته شانس نمیخواهم داد که در مقابل من بایستد. این یکی مقررات مدرسه را یاد خواهد گرفت. پسر نیم نگاهی به اطراف خود می اندازد و با آخرین تشر معلم به صورت او تف میاندازد. معلم در حالت غضب یک قدم به سوی پسر برمیدارد. پسر بیشتر به هراس می افتد و دوباره به او تف میکند. معلم با عصانیت به او میگوید که به دفتر مدرسه برود. پسر از جلوی شاگردان کنجکاو و گروه پسران شرور عبور میکند. در این لحظه عواقب عمل ناهنجار خود را درک نمیکند. او با یک حس خوشایند و ناآشنا قدم برمیدارد. پرده ای از غرور و قدرت وحشت درونی او را ناپیدا میسازد و موقتا دلهره و هراس از بین میرود. به خودش اطمینان میکند و در خردسالی زور و قدرت جوانها را پیدا میکند. اما همانطور که گفتیم این حالات بسیار کوتاه است و دوباره او همان پسر اولی میشود که اتکا به نفس ندارد، شخصیت او هنوز فرم نگرفته است. از زندگی با مادر و گرفتن محبت لازمه محروم است. پدر الکلی او در وهله اول به فکر تهیه الکل خود میباشد. مشاهده حالت اسفناک و تآثرآور مستی پدر افکار پسر را متشنج میکند، رفتار پدر اندیشه های منفی او نست به زنها و جامعه مورد تقلید پسر قرار میگیرد (معلم هم یک زن بود) پدر هم در دنیای خود تنها است

و شکست رابطه زناشویی مشکل الکلی بودن خود را از زاویه کردار غلط دیگری می بیند. خود را قربانی مینداند، با هزارها حفره های خالی از عاطفه و محبت! او به کسی نیازمند است که آنها را با آرامش و عشق پر کند. و دردهای او را به دفعات زیاد در روز گوش دهد. این فرزند او است که قادر به انجام اینکار خواهد بود. پس پدر به پسر آویزان شده میگوید و گاه گریه میکند دلایل پزشکی برای اعتیاد خود ارائه میدهد. کودک راه رفتن به دنیای خارجی را خیلی دیر پیدا میکند. کودک در محیط خانوادگی می آموزد که از دیگری مواظبت کند. این رل او را با سرعت از جهان قشنگ و ناآلوده کودکی دور میکند. او بزرگ میشود و استقلال خود را از دست میدهد ولی همزمان راه کنترل دیگران را یاد میگیرد. او در این جدایی از دوران شیرین کودکی، موجودی میشود که دوره بازی کردن را به اتمام نمیرساند که ایده الی برای تقلید در زندگی در اختیار ندارد و بلاخره خود راهی برای فرار از محیط خانه، مدرسه و جامعه می یابد. در این راه امکان هر پیشامدی ناگواری وجود دارد و پسر ما هم راه خود را یافت. او تسلیم خشونت شد. پیدایش چنین روحیه ای به او قدرت داد که در تصمیم گیریها دخالت داشته باشد. او بسوی عواملی روی آورد که از پریشانی روان او کاست

هر چند که موقتی بود. ولی او انجام این کردار را تکرار کرد. گریز از مدرسه دعوا و زد و خورد، بی انضباطی و سرپیچی از رعایت قوانین مدرسه دزدیهای کوچک فحاشی و پرخاشجویی به افراد بزرگسال، کلاهبرداری کوچک، آتش زدن محله، مدرسه و تخریب وسایل و ابزار مدرسه، آغاز کشیدن سیگار محشیش و نوشیدن آبجو و الکل. گروه او را بعد از تغییر رفتار و اخلاق پذیرفت. او با آنها رابطه روحی و روانی برقرار کرد و این رابطه، طوفان دوران بلوغ، سردرگمی روحیه او را برای رسیدن به رهبری گروه سوق میداد. امروز پسر تنها برای خودش هویتی دارد بچه فرقی دارد که او را دزد یا چاقوکچ، گستاخ، کلاهبردار یا متجاوز بدانند. این مهم ترس حمایتش میکنند. پدر مست او را از خیابانها به خانه باز میگردانند. دوست دخترهایش در مقابل حرفها و تصمیم های او حق اظهار نظر ندارند. هنگامی که واقعه ای رخ میدهد، کسی از وحشت انتقام جویی های او در مقابل سوالات پلیس شهادتی نمیدهد. او ترس را در وجود مردم پیرامون خود ریخته است. حتی پدرش نیز از واکنشهای او واهمه دارد و دوستانش. کلام او این است: میزنم که باقی بمانم، جای برای کسی دیگر نیست.

ولی پسر ارتکاب به اعمال غیرقانونی را با تف شروع کرد! پسر تف کرد، چرا؟ او نیاز به کمک داشت. نبودن محیط آرامخانه، نیاز به کسب

صفحه ۲

## دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

دبیر

«کودکان مقدمند»  
هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر

هفته نامه

«کودکان مقدمند»  
فرزاد ادیبی

e.mail:

kodakan\_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شهلا خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

ShahLaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

ادامه

## کیفرخواست کودکان پاکدشت

هیچ کسی خود را مسئول نمیداند. آخر اینها کارگردند. کجایند آن دادگاههای «عادل»، کجایند آن نمایندگان «محترم» با کیف های چرمی شان که در باب عدالت اجتماعی سخنوری میکردند؟ کجایند مبتکرین گفتگوی تمدن‌ها؟ واقعیت این است که همه این اوباشان از قبل دست رنج همین کارگران، روزشان را میگذرانند. این استثمار وحشیانه جوهر وجودی این زالوها و نظام کثیف سرمایه داری است.

تنها همین نمونه زندگی برده وار در پاکدشت هر انسان شرافتمندی را مجاب میکند که این نظم اجتماعی باید داغان شود. این سیستم در شان انسان نیست، نظام سرمایه داری این فلاکت و بی حقوقی مطلق را ایجاد کرده است و جمهوری اسلامی مجری بازتولید آن است. باید از شر هر دوی اینها آزاد شد. باید جمهوری نیکت و جنایت سیستماتیک اسلامی را به زیر کشید، باید مسبین این وضعیت فلاکت‌بار را محاکمه کرد. باید ایرانی امن، در همه سطوح برای شهروندان ایجاد کرد. جایی که انسان و انسانیت مینا باشد نه چاپیدن دست رنج کارگران. این امری فوری و عاجل برای همه انسانهای شرافتمند است.

ادامه

## پسر تنها

تجربه برای فرار از نگرانیها و آشوب درونی متضاد فرهنگی و اجتماعی بین خانه و مدرسه، ناتوانی در زبان رایج جامعه میزبان، دیدگاه پدر نسبت به اجتماع و زنان، عوامل شخصیتی (ذهنی، جسمی و روحی) افسردگی و ناامید بودن به جامعه‌سززنشها و ملامتهای معلمین درسی و ورزشی، عقده های حقارت، محیط کسالت آور مدرسه، عدم رابطه مطلوب بین معلم و شاگرد، فشار اذیت و آزار از شاگردان دیگر، تنهایی و نداشتن هم صحبت اعتیاد پدر و ...

شب است، شب تعطیل! پدر در اتاق دیگر در خلوت خود گیلاس های عرق را بالا میاندازد. صدای موزیک ایرانی در فضای خود پیچ میخورد و در اعماق تاریکی دل پسر را می یابد. تنها و تنها. در اتاقش نیمه باز است. پسر از تاریکی میترسد، او یک کودک ترسو و غمگینی باقی مانده است که همیشه با خود می اندیشد: من هم مادری دارم، مثل همه. ولی چرا همیشه تنها وده ام پسر تنها را هر روز در تیتتر خبری روزنامه ها می بیند! در شماره بعد از پسر تنها از آن حرامزاده تنها با شما صحبت خواهم کرد. پسر حرامزاده بخند.

ادامه دارد

**سردبیر این شماره:**  
**امیر توکلی**

ادامه

## چهار سال همدیگر را می شناسید

\*کودکان ۴ ساله از عهده اینکه به تنهایی به توالت بروند برمی آیند اما باز کردن دگمه، زیب و نظافت بعد از توالت برایشان دشوار است.

\* بچه ها در سن ۴ سالگی نیازی به استراحت در طول روز ندارند و به راحتی تمام شب را می خوابند. در این دوره برخی از کودکان دچار اختلال خوابی می شوند که دلیل آن خواب دیدن و رویا است. تفکیک رویا و واقعیت برایشان در این سن دشوار است و به این جهت میل دارند که در کنار پدر و یا مادرشان بخوابند چرا که این امر باعث امنیت و آرامششان می گردد. مثلا وقتی که یک کودک ۴ ساله از خواب بیدار میشود، گمان می کند که یک ببر در

ادامه

## اوگاندا

است که یکبار دیگر بر این تاکید داشت که ریشه جنبشهای مذهبی و ناسیونالیستی را باید خشکاند. نیروهایی که با پرچم مذهب و ملیت در کار ساختن ماشین جنگی هستند که کودکان جز اولین قربانیان آنها میباشند را باید با اتکا به مردم صلح طلب، سکولار و انساندوست درهم کوبید. باید بشریت مترقی را برگرد احترام به حیات و انسان به صحنه آورد و هر نوع

اتاقش پنهان است. کمک شخصی انجام دهند، به این جهت عجیب نیست که بچه های ۴ ساله به تنهایی به کشف دنیای بیرون از خانه می روند، که به نوبه خود خواستار توجه و مواظبت بیشتر از طرف والدین در این مرحله سنی می باشد. \* نقاشی کردن، ساختن ساختمان، با ماشین و عروسک بازی کردن، بازیهای مورد علاقه سن ۴ سالگی است. بازیهای گروهی ۳-۴ نفره با همراه بزرگسالی که هنگام اختلاف و دعوا هادیتشان میکند شکل محبوب بازی در این سن می باشد.

((این مطاب از انتشارات گوتیتیا که از طرف اداره بهداشتی سوئد جمع آوری شده است، اقتباس و ترجمه گردید))

۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵

جداسازی بر مبنای ملیت، نژاد، مذهب، رنگ و جنسیت توسط طبقات حاکم، دولتها و احزاب سیاسی را در همان نطفه خفه کرد. این را باید به قانون و نرم بدل کرد که هیچ کسی را نباید تا سن ۱۸ سالگی به نظامی گری واداشت و یا بعنوان سرباز جنگی گرفت. کودک سرباز نیست. با دولتها و گروههای که به چنین تعدی نسبت به کودکان دست میزنند باید مقابله کرد و مورد شدیدترین مجازاتها قرار داد. کودک مذهب ندارد. نباید اجازه داد که کودکان را تسلیم گروههای سپاه مذهبی کنند، به تبعیت از فرامین مذهبی وادار سازند و یا در دسته های مذهبی سازمان دهند. جدایی دولت و آموزش و پرورش از مذهب هنوز باید بیرقش در اهتزاز باشد. مبارزه قاطع فرهنگی و حقوقی با کلیه خرافات، سنتها و عاداتهایی که برای سلامتی کودکان زیان بخش است باید در سرلوحه وظایف هر دولتی جهت حمایت از کودکان قرار گیرد. کودک به اعتبار کودک بودنش باید در کنف حمایت همجانبه و بیدریغ جامعه و دولت قرار گیرد و این هیچ قید و شرطی را نمیپذیرد.

**مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان**

## چهار سال همدیگر را می شناسید

(از سلسله بحثهای مربوط به امور تربیتی کودکان)

ترجمه: ویدا بهروز

در کشور سوئد معاینه عمومی از همه کودکان ۴ ساله به عمل می آید که شامل کنترل از تکامل فکری، زبانی، بینائی، شنوایی و تواناییهای دستها و پاها است. مطلب زیرین بطور ساده و کوتاه نگاهی به دنیای کودکان ۴ ساله می اندازد.

\* کودکان ۴ ساله در جهانی خیالی زندگی می کنند که خودشان قهرمانان آن هستند. غلط و یا درست بودن، واقعی و یا غیر واقعی بودن برایشان مفهومی ندارد چرا که خیالات، واقعیات زندگیشان را تشکیل می دهند و همچنین نقش مهمی در پیشرفت فکریشان دارند.

اگر مثلاً دخترت بطور ناگهانی به تازان تبدیل شد، می تواند به همان راحتی به شخصیت واقعی خود برگردد.

\* کودکان در سن ۴ سالگی بدنشان فرم می گیرد، اما انعطاف پذیر است و همچنین پاهای بلندی دارند. در این سن کودکان تحرک و جنبش زیادی دارند و می توانند با چابکی بدوند، تاب بخورند، از ارتفاع بلند آویز شوند و بالا بروند. هر چند تحرک دائمی شان در بعضی از مواقع برای والدین خسته کننده و سخت است اما در واقع نشانه شادی و سلامتی شان می باشد.

\* تکامل زبانیشان در این سن بسیار سریع است و اغلب بچه های ۴ ساله با راحتی حرف می زنند هر چند برخی از آنها همچنان با لهجه بچه گانه صحبت می کنند.

پرسش کردن زیاد جزء یکی از خصوصیات این دوران بشمار می آید و می باید صادقانه و ساده به سئوالتشان جواب داد، چراکه آنها به جوابهای والدین و بزرگسالان باور دارند. کودکان ۴ ساله به عکس العمل شدیدی که از اظهار کلمات ناشایسته بین والدین و اطرافیانش ایجاد می شود، هشیارند. اهمیت ندادن به آنها بهترین راه برخورد در این موارد است و همچنین مهم است که خودتان از استفاده کلمات نادرست خوددای کنید چرا که کودکان در این سن قابلیت تقلیدی خوبی دارند.

\* نیاز غذایی بین کودکان در سن بسیار متفاوت است بعضی از آنها اشتها غذایی خوبی دارند و کسان دیگر کاملاً بر عکس. اما باید دانست که هر کودکی مواد کافی لازمه خود را دریافت می کند. اگر کودکی از غذا خوردن خودداری می کند، سعی کنید که به جای اهمیت ندادن، به دلیل و یا دلایل آن پی ببرید و محیطی آرام و خوش در هنگام غذا خوردن ایجاد کنید. یادتان باشد که آرام و ساکت بودن در سن ۴ سالگی غیر ممکن است و بازیهایشان همچنان در کنار میز غذا ادامه دارد. مثلاً سیب زمینی به غار تبدیل میشود که گوشتها در آنجا زندگی می کنند.

صفحه ۳

## تنبیه بدنی یک شیوه قرون وسطایی

### برای آموزش کودکان!

چند که سال گذشته مسرتله تنبیه کودکان در کشور انگلیس به یک بحث مهم و داغی بدل شد و بدنبال تغییر اندکی در فرهنگ و آداب ۱۸۰۰ ساله شان در زمینه پرورش کودکان که تنبیه عاقلانه را مجاز دانسته، به عمل آمد. اما کتک زدن کودکان بر طبق این قانون جدید همچنان مجاز است با این استثناء که هیچ علامتی بر بدن کودک بوجود نیاید.

سوالی که پیش می آید این است که آیا می توان تنبیه بدنی کودک را تقسیم بندی کرد و آیا تنبیه ای که علامتی بر بدن باقی نمی گذارد، درد هم بوجود نمیآورد؟ و یا تاثیر روحی منفی ای هم ندارد؟

ما در قرن بیست و یکم زندگی می کنیم، اما هنوز تنبیه کودکان امری عادی و در بسیاری از کشورها جزء سیستم پرورشی بشمار می آید. با توجه به پیشرفت روانشناسی در دهه اخیر بسیار عجیب می رسد که این روش قرون وسطایی همچنان به بقا خود ادامه می دهد. در حالی که هر شخصی با کمی حس انساندوستی و با اندک آگاهی در مورد تاثیرات مخرب تنبیه بدنی بر روح و روان کودک، اثراتی که سالیان دراز بجای میماند و حتی به نسلهای آینده نیز منتقل خواهد شد، نمیتواند با این عمل غیر انسانی موافق باشد.

مجازات اشخاص بی نظم میباشد.

پینیرو با تاکید بروی کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل که در آن آمده که کودکان باید از حمایت کامل در مقابل خشونت برخوردار گردند، میگوید: "اشخاصی که کودکان را تنبیه میکنند به یک معنی آنها را انسان به حساب نمی آورند." اما خود او ممنوع کردن تنبیه کودکان را جدی نمی گیرد و به متدهای لیبرالی قناعت می کند.

کوششهای امثال پینیرو برای پایان دادن به تنبیه بدنی کودکان درخود قابل تقدیر است اما مبارزه با این نوع خشونت زمانی موثر و همجانبه خواهد بود که دولت و قانون نیز پای در میدان بگذارند و با اعلام ممنوعیت هر نوع تنبیه بدنی، به کودکان تضمین بیشتری برای برخورداری از یک محیط ایمن را بدهد.

کشور سوئد اولین کشوری بود که در سال ۱۹۷۹ تنبیه کودکان را غیر قانونی شمارد و بدنبال کشورهای اروپایی دیگری مانند نروژ، دانمارک، آلمان، ایتالیا، قبرس، اتریش و لیتوانی به او پیوستند. و این در حالی است که کشورهایمانند انگلیس و فرانسه که خود را مترقی و پیشرو می نامند هیچ عکس العمل و تلاش رادیکالی برای پایان دادن به مسئله تنبیه بدنی کودکان نکرده اند. هر



ویدا بهروز

روزنامه سوئدی D.N (یک روزنامه پرتیراژ و سراسری) در تاریخ ۱۹ ماه ژوئیه مطلبی در رابطه مسئله تنبیه جسمی کودکان انتشار داد که در آن با رجوع به نظرات پاول سرگیو پینیرو Sergio Pinheiro Paulo متخصص برجسته سازمان ملل در زمینه خشونت به کودکان تاکید مجددی بر اهمیت مقابله جهانی با کتک زدن کودکان داشته است.

پینیرو از کسانی است که ممنوع کردن تنبیه جسمی کودکان در عرصه جهانی را پیگیرانه دنبال میکنند > او شدیداً با خشونت بر علیه کودکان مخالف است اما راه حلی که در مقابل تنبیه فیزیکی مطرح می کند، نه ممنوع کردن قانونی آن در محیط خانه و مدارس بعنوان یک راه حل جدی، بلکه او رشد فرهنگ عمومی جامعه نسبت به حقوق کودک و متدهای دیگری بجای تنبیه بدنی را راه حل میدانند. از جمله شیوه های مورد نظر او ایجاد کمیته های دانش آموزی در مدارس با دخالت شاگردان در امر تصمیم گیری در نوع

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان